

به نام خدا

راهکارهای تهذیب نفس از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

زهره تجلی توچاهی^۱

چکیده

تهذیب نفس بخشی از آیات قرآن و احادیث را به خود اختصاص داده است. تهذیب موجب تربیت انسان و رسیدن او به کمال می شود. انسان موجودی است که اگر در مسیر هدایت و رشد قرار نگیرد ممکن است به ضلالت کشیده شود امروز مشکلات بسیاری در جوامع اسلامی مشاهده می شود که می توان گفت بسیاری از آن ها به دلیل بی اهمیتی انسان ها به تهذیب نفس است. از این رو مقاله حاضر با روش تحلیلی توصیفی به دنبال بیان راهکارهای تهذیب نفس است. مطالعات انجام شده حاکی از این است که آدمی در زندگانی خود به هر هدفی نائل شود میل او تمامی نداشته و دوست دارد موارد بیشتری را در آن زمینه تجربه کند این نشان می دهد که انسان به گونه ای خلق شده که سیری ناپذیر است و زمانی می توان این سیری ناپذیری انسان را کنترل کرد که او تربیت شود و این تربیت جزء با تهذیب نفس میسر نیست. مهم ترین راهکارهای تهذیب نفس از دیدگاه علامه جوادی آملی عبارتند از:

پرهیز از بیکاری، شناخت دوست، عدم غفلت، دشمن شناسی.

واژگان کلیدی: تهذیب نفس، علامه جوادی آملی، کمال، سعادت.

۱ طلبه ی سطح ۲ حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س) قم، ۰۹۳۹۸۲۴۰۸۱۴، ztjly58@gmail.com

طبق آموزه های قرآنی خداوند انسان را برای عبادت خلق کرده است تا به کمال برسد و نفس خود را پاک کند، البته عبادتی که به گستره بندگی است فقط محصور در نماز و روزه نیست. هر عمل صالحی که در راه بندگی خداوند باشد عبادت است یکی از راه های به کمال رسیدن انسان تهذیب نفس است که در این راستا آثاری وجود دارد از جمله؛ کتاب محاسبه النفس نوشته سید علی بن طاووس حلی (۱۳۷۶) به مواردی از قبیل ارزش محاسبه، احتیاط در محاسبه و مراقبه، لزوم همت خودداری از گناه پرداخته است و کتاب معراج السعاده نوشته ی ملا احمد نراقی (۱۳۸۶) برخی از مهم ترین موضوعاتش این است: مضرات وسوسه های شیطان، عفو و بخشش و فضیلت آن، مفاسد غنا و بی نیازی، خودستایی، صدق و راستگویی و کتاب اخلاق در قرآن محمد تقی مصباح یزدی (۱۳۹۴) تیتتر مهم ترین مطالب آن این است: مفاهیم عام اخلاقی، رابطه ی انسان با خدا، کارهایی که انسان در ارتباط با دیگران انجام می دهد. همچنین علامه جوادی آملی به عنوان یکی از مفسران برجسته معاصر دیدگاه هایی در این زمینه دارند و راهکارهایی درمورد تهذیب نفس بیان می کنند راهکارهای علامه به دو بُعد فردی و اجتماعی تقسیم می شود از جمله: جوع و گرسنگی، دشمن شناسی، حضور در مراکز مذهبی، همراهی رهبران دینی. امروزه مشاهده می شود مردم گرایش بیشتری به امور دنیوی پیدا کرده و از امور معنوی دور شده اند بنابراین لازم است به این مبحث پرداخته شود. هدف نویسنده از نگارش مقاله حاضر این است که راهکارهایی در جهت تهذیب نفس از دیدگاه علامه جوادی آملی ارائه نماید.

الف) مفهوم شناسی

۱- تهذیب

تهذیب در لغت به معنای پاک، پاکیزه سازی، پالایش، تربیت، ترکیه، تصفیه، مهذب سازی، پیراستگی^۱

تهذیب در اصطلاح به معنای جان و تربیت روح است.^۲

۲- نفس

۱. دهخدا، لغت نامه، ج ۱۵، ص ۱۱۵۶.

۲. جوادی آملی، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، ص ۱۳۹.

معنای لغوی نفس «نَفْس» بر وزن فَرَس به معنای وسعت و گسترش بیان شده است اما «نَفْس» بر وزن «فَلَس» در اصل به معنای ذات است.^۱

و در اصطلاح نفس به معنای گوهر وذات واصل و واقعیت عینی شیء است، و مراد از آن، روح، جان، روان و مانند آن نیست؛ مثلاً اگر گفته اند فلان شیء فی نفسه چنین است؛ یعنی در ذات و هستی اصلی خود چنین است و وقتی گفته اند: «جائی فلان نفسه»؛ یعنی فلان کس خودش آمده است که معنای نفس، مرادف با عین، یعنی اصل ذات خواهد بود.^۲

۳- تهذیب نفس

تهذیب نفس همانند کشیدن دندان بدون داروی بی حس کننده، درد آور است. آن گاه که انسان با سیر و سلوک از تعلقات دنیا دل برید و آزاد شد، دیگر از رخداد های ناگوار احساس دشواری و خستگی نمی کند.^۳

ب) فردی

۱- بررسی احوال گذشتگان و عبرت گرفتن از آنان

امام علی (ع) خطاب به فرزندش می فرماید «أَيُّ بُنَىِّ إِيَّيْ وَ إِنِّ لَمْ أَكُنْ عُمرْتُ عُمرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرَّتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَيَّ آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدَرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ» «پسرم! اگرچه من به اندازه مردمی که پیش از من بوده اند عمر نکرده ام، ولی در کردارشان دقت، و در اخبارشان فکر نموده و در آثارشان سیاحت کرده ام، تا جایی که همانند یکی از آنان شده ام، بلکه گویی از پی آنچه که از وضع آنان به من رسیده عمرم را با اولین و آخرینشان گذرانده ام، زلال اعمالشان را از تیرگی، و سود و زیان کردارشان را شناختم، از این رو از هر چیزی پاکیزه و خالصش را برای انتخاب کردم

۱. اندلسی، البحرالمحیط فی التفسیر، ج ۸، ص ۹۴.

۲. جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج ۵، ص ۳۱۳.

۳. همو، تفسیر تسنیم، ج ۱۰، ص ۵۶۰.

و از میان آن همه برنامه، زیبایش را برای برگزیدم و نامعلوم آن را از تو دور داشتم.^۱

در این کلام امام علی (ع) اشاره به عبرت آموزی انسان از اخبار و کردار گذشتگان است. تاریخ گذشتگان، آدمی را وارد گذشته می کند تا از اعمال نیک و بد آن ها عبرت گرفته و در زندگانی آینده ی خود به کار ببرد. در این نامه امیر مومنان چنان فرزندش امام حسن (ع) را موعظه می کند که گویا در میان گذشتگان زندگی می کرده است و این نشان می دهد که خود ایشان نیز عامل به این عبرت ها بوده یعنی از این تجارب استفاده کرده تا خود دچارش نشود بنابراین ما انسان ها نیز باید از معصومین درس بگیریم و تفکرمان در گذشتگان طوری باشد که گویا در زمان بروز حوادث عبرت آمیز ما شاهد آن بوده ایم تا بتوانیم به راحتی از معاصی و گناهانی که آن ها مرتکب شده اند دوری کنیم که نتیجه اش تهذیب نفس ما باشد.^۲

۲- جوع و گرسنگی

یکی از راه های های تسویه ی روح و تهذیب نفس که زمینه ی شهود را فراهم می کند و در عرفان به آن توصیه شده جوع و گرسنگی است البته نه مفرط و زیانبار آن بلکه معتدل و سودمند. چنانکه امام علی (ع) در مورد عیسی مسیح (ع) اینگونه می فرماید: «کان إدامُهُ الجوع یعنی خوراک و غذای او جوع بود»^۳ اینگونه از احادیث باعث می شود که پاسخ توهم نقص جوع داده شود چون برای آگاهی از اسرار هستی و رسیدن به لقاءالله باید به مقداری از غذا که نیروی انسان را تأمین نماید اکتفاء کرد در تعبیرات اخلاقی اسلام آمده: «ما ملأ آدمی وعاءاً، أی ظرفاً شراً من بطنه»^۴ انسان هیچ ظرفی را به بدی ظرف شکم پر نکرده است شکم که پر شود راه فهم مسدود می شود و انسان پرخور هرگز فردی تیز فهم نخواهد بود و به اسرار عالم پی نخواهد برد. شکم بارگی، بی ارادگی و خمودی می آورد و رعایت اعتدال در خوردن، سلامتی، طول عمر و نورانیت دل در پی دارد. خوردن بیش از حد هم روح را سرگرم می کند تا غذای زائد را هضم کند، هم بدن را به سوخت و ساز بیشتری وادار می سازد و سرانجام، انسان را زودتر از موعد، از پا درمی آورد. معمولاً انسانهای پورخور عمر طولانی ندارند. همچنین زیاده

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۰، ص ۳۴۷.

۳. نهج البلاغه، ص ۲۲۷.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۶، ح ۱۷.

روی در خوردن بر کسالت و خواب می افزاید.^۱

۳-عدم دنیا گرایی

هرآنچه غیر خدا ست و انسان را از خدا باز می دارد یک امر دنیوی است ؛ مانند مال ، فرزند ، عیال ، مقام و یا شئونات دیگر هرچه که باشد اگر باعث قطع شدن ارتباط انسان با خدا شود و حضور خدا را از انسان بگیرد و خلوص انسان را سلب کند دنیاست و قلب دنیازده مرده است که اگر احیا نشود تهذیب نفس در مورد او بی معنی خواهد شد پس همه چیزهایی که خداوند متعال در دنیا به ما عنایت کرده است را باید برای رضای او دوست داشته باشیم تا مهذب شویم ، اما اگر اینها مارا از خداوندو یاد او غافل کند شقاوت ما حتمی است . پس برای سعادت باید مهذب شد و راه تهذیب یاد و ذکر خداست چون خود خداوند متعال می فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۲ پس مرا یاد کنید تا شمارا یادکنم و می فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۳: مرا بخوانید تا اجابت کنم شمارا ؛ از همه اینها می فهمیم که انسان برای مهذب شدن باید از خدای خود درخواست کند و زمانی انسان به این توفیق نائل می شود که دنیا را از یاد خود ببرد و فقط و فقط خدا را ببیند بنابراین اگر قلب آدمی از ماسوی الله خالی شد و جز خدا در آن قرار نگرفت این یعنی به خلوص رسیده لذا زشتی ها و ناخالصی ها از قلب آدمی جدا می شوند و در این مرحله است که به قطع و یقین می توان گفت انسان مهذب شده چون با خلوصش راهی جز صراط حق را در پیش نمیگیرد.^۴

۴-شناخت دوست

اگر انسان ، دوست و دشمن خود را به خوبی شناخت ، راه تهذیب نفس و جهاد اکبر برای او روشن شده و پیروزی او در این نبرد بزرگ ، برایش ممکن خواهد بود دوستانِ جانِ انسان یارانی نادیدنی اند که به یاری او می شتابند

۱.جوادی آملی،سرچشمه اندیشه ، ج ۵،ص ۲۲.

۲.بقره: ۱۵۲.

۳.مومن: ۶۰.

۴.جوادی آملی،حکمت علوی، ص ۹۷.

حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟ بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ صدر این آیه انسان ها را به دو گروه تقسیم می کند یکی قانت (یعنی اهل سجده و قیام برای خدا و ترسان از قیامت) و دیگری غیر قانت (غیرمطیع نسبت به پروردگار)، خداوند در این آیه بیان می کند که این دو گروه باهم برابر و مساوی نیستند در ذیل آیه نیز خداوند به نابرابری انسان عالم و غیرعالم گوش زد می کند یعنی خداوند به انسانی اجر و پاداش می دهد که عالم قانت باشد و وقتی شخصی اهل سجده برای خدا باشد و اینکه ترس از روز قیامت دارد به خاطر این است که مبدا اعمال او مورد ضایت خدا نبوده باشد این مساوی با تهذیب نفس اوست چرا که فقط رضایت خدا را نظر کرده و به ما سوی الله هیچ توجهی نداشته است، یعنی قلب آدمی یک جایگاه دارد و انسان با اختیار و عقلی که خدا به او عنایت کرده باید انتخاب کند که آن جایگاه را اختصاص به خدا دهد یا غیر خدا؟ البته صرف بیان اینکه قلب ما جای خداست کافی نیست بلکه باید حقیقی باشد و خدای متعال هم در آیه فوق الذکر صفت اشخاصی که حقیقتاً قلبشان جز خدا جای کس دیگری نیست را بیان کرده است و آن قانت بودن انسان است یعنی انسان باید خوف نسبت به خدا داشته باشد تا ادعایش بر اینکه قلبش جای خداست و بس پذیرفته شود.^۱

۱۴- آشنایی با حکمت

امام علی (ع) برای تهذیب نفس ما را به آموختن حکمت و آشنا شدن با آن و فراهم کردن آن تشویق کرده چون آن را مایع حیات دل می داند از نظر امام علی (ع) کسی که حکیم نیست زنده نیست البته مراد آن حضرت فقط علم و آموختن این حکم نیست بلکه علم با عمل منظور است زیرا علم بدون عمل جهل است، امام علی (ع) حکمت را حیات دل می داند این حیات ظاهری انسان را به آن حکمت که حیات باطنی است شبیه کرده و می فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ يَكَادُ صَاحِبُهُ يَشْبَعُ مِنْهُ وَ يَمْلَأُ، إِلَّا الْحَيَاةَ»^۲ چیزی نیست جز آن که صاحبش از تکرر و دوام آن احساس خستگی می کند مگر حیات یعنی انسان از حیات خسته نمی شود کسی ممکن است دچار مصیبت های اندوه باری شود که باعث خستگی او می شوند ولی این بدان معنا نیست که حیات

۱. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۱، ص ۵۲۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳، بند ۷.

برای او ملال آور شده بلکه آن رویدادهای ناگوار و سختی‌ها و فرازها و نشیب‌های زندگی است که برای او تلخ است، بنابراین جان آگاه باعث سعادت انسان است، چون حیات معنوی انسان را استوار می‌کند که نتیجه اش حیات قلب و در نهایت راه برای رسیدن به تهذیب نفس است پس برای رسیدن به تهذیب نفس و حفظ آن باید بکوشیم که قلب خود را از مرگ نجات دهیم نه جسم.^۱

ج) اجتماعی

۱- همراهی رهبران دینی

خداوند نعمت‌های زیادی را به صورت مستقیم یا با واسطه به انسان عنایت کرده که این نعمات توسط پیامبران و امامان به انسان‌ها به اندازه کافی گوش زد شده لذا برای شکرگزاری از آنها انسان وظیفه‌ی احیای برنامه‌های رسولان الهی در زمین را برعهده دارد مثل اقامه صلاة، دادن زکات و امر به معروف و نهی از منکر که در سوره‌ی حجر آیه‌ی ۴۱ به این موارد اشاره شده است و چه کسانی از رهبران دینی و دولت مردان بیشتر در دید عوام هستند لذا هرچه انجام بدهند مورد گناه مردم است چون آن‌ها الگو هستند چنانکه در روایات می‌بینیم الناس علی دین ملوکهم یعنی مردم بردین پادشاهانشان هستند پس برای اینکه موفق به تهذیب نفس شویم بهتر این است که رهبران دینی و دولت مردان قبل از ملت به خود سازی موفق شوند که اگر اینطور نشد حداقل همراه مردم در تهذیب نفس بکوشند چون کسی که در جلوت نصیحت می‌کند اما در خلوت آن کار دیگر می‌کند بوی بد گناه از جامه‌ی زهد فروشی او صاعد و ساطع است، بنابراین بزرگان جامعه نقش بسیار کلیدی در تهذیب مردمانشان دارند لذا بایستی در اعمال و رفتارهایی که در اجتماع و علی‌الخصوص خلوت خود دارند دقت نمایند البته این بدان معنا نیست که اگر مسئولی خطا کرد و یا حرفی زد و عمل نکرد، خطا کردن برای ما نیز جایز شود اما علت بیان این مطلب این است که بزرگان جامعه الگوهایی هستند تاثیرگذار بخصوص بر جوانان لذا تفاوت در حرف و عملشان باعث می‌گردد شخص از راه حق دور شود و دچار لج و لجاجتی شده و خود و اطرافیانش را دچار تباهی نماید.^۲

۱. جوادی آملی، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، ص ۱۱۴.

۱. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۴، ص ۱۴۶.

۲- دشمن شناسی

«ثُمَّ لَا تَنِيَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»^۱ سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می روم و بیشتر آنها را شکرگذار نخواهی یافت. «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» گفت به عزت سوگند همه آنها را گمراه خواهم کرد. «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»^۲ محبت امور مادی از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم مجلوه داده شده است؛ (تا در پرتو آن آزمایش شوند)، اینها سرمایه پست زندگی است؛ و سرانجام نیک نزد خداست. خداوند در قرآن کریم با شناساندن لغزشگاه ها و دام ها برای انسان مانند شهوت و غضب یا وهم و خیال انسان را به خود آگاه می سازد و چگونگی غلبه بر شیطان و تهذیب نفس را به او می آموزد به ویژه با آشنا کردن انسان با دشمنی شیطان اصرار دارد تا آدمی بداند با چه خطری رو به روست و چه شعله ی سوزانی از غضب به دنبال اوست و آگاه باشد دشمن قسم خورده یعنی ابلیس که در پی او می باشد یک موجود شرور است که شش هزار سال عبادتش را بخاطر غرورش برباد داد او به خود رحم نکرد پس چگونه به انسان که علت اصلی رانده شدن او از درگاه خدای متعال است رحم کند پس انسان باید از خطرانی مثل شیطان و دام هایی که او برایش پهن کرده است دوری کند تا به تهذیب نفس برسد.^۴

۳- حضور در مراکز مذهبی

یکی از راه های تهذیب نفس و تطهیر جان حضور در مراکز مذهبی است. قرآن کریم درباره ی این مراکز می فرماید «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^۵ در آنجا مردمانی هستند که تطهیر ضمیر و صفای دل را دوست می دارند برتر بودن مراکز مذهبی مثل مسجد به خاطر این است که افزون بر تعلیم و تعلم، روح نیز

۱. اعراف: ۱۷.

۲. ص: ۸۲.

۳. آل عمران: ۱۴.

۴. جواد آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۶۵.

۱. توبه: ۱۰۸.

پرورش می یابد و از آلودگی ها پاک می شود ، چون آدمی همواره تحت تأثیر محیط اطراف خود می باشد اگر این محیط خود آلوده باشد تهذیب نفس بسیار سخت شده بلکه ناممکن می شود اما مراکز مذهبی مثل مسجد چون دارای فضایی معنوی هستند خود به خود باعث تزکیه ی و جان آدمی می شوند و انسان را به سوی خوبی ها سوق می دهند حال با این شرایط این خود انسان است که باید از این موقعیت بدست آمده به حسب اختیاری که دارد نهایت استفاده را بکند.^۱

نتیجه گیری

تهذیب نفس ، راهی است که انسان برای رسیدن به سعادت و قوت بخشیدن به ابعاد معنوی خود و رسیدن به کمال حقیقی در پیش می گیرد . از جمله راه کارهای تهذیب نفس این است که انسان به یاد نعمت حق بوده و دنبال حب خدا باشد و از احوال گذشتگان عبرت بگیرد و به دنبال این باشد که دوست و دشمن خود را بشناسد و اعمالش برای رضای خدا باشد . در این مسیر راه هایی است که مسیر تهذیب نفس را هموار می کند از جمله اینکه انسان در مراکز مذهبی حضور یابد و با رهبران دینی همراه شود و بر نفس اماره خود مراقبت نماید تا اهل غفلت نباشد و از بیکاری پرهیزد و از تعلیم اولیای الهی بهره ببرد و اهل جوع و گرسنگی بوده و به معاد توجه داشته باشد و به غذای روحش اهمیت بدهد و مقید به عبادات بوده و با حکمت های الهی آشنا شود.

فهرست منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. اندلسی ، محمد بن یوسف " البحر المحيط فی التفسیر " بیروت لبنان ، دارالفکر ، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲. بابویه قمی ، ابو جعفر صدوق ، " من لا یحضره الفقیه " ج ۴ ، بهارستان ، نشر صدوق ، چاپ دوم ، ۱۳۶۸.
۳. جوادی ، آملی ، عبدالله " تفسیر تسنیم " ج ۴ ، قم ، اسراء ، چاپ هشتم ، ۱۳۹۴.
۴. _____ " تفسیر تسنیم " ج ۱۰ ، قم ، اسراء ، چاپ پنجم ، ۱۳۹۱.

۲. جوادی آملی ، عبدالله ، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی ، ص ۲۴۹.

۵. _____ "سرچشمه اندیشه" ج ۵، قم، اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۶. _____ "شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی" قم، اسراء، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۳.
۷. _____ "تفسیر انسان به انسان" قم، اسراء، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.
۸. _____ "حکمت علوی" قم، اسراء، چاپ ششم، ۱۳۹۱.
۹. _____ "صورت و سیرت انسان در قرآن" قم، اسراء، چاپ دهم، ۱۳۹۳.
۱۰. _____ "پیامبر رحمت" قم، اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
۱۱. _____ "مبانی اخلاق در قرآن" قم، اسراء، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۵.
۱۲. _____ "مراحل اخلاق در قرآن" قم، اسراء، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۸.
۱۳. _____ "سرچشمه اندیشه" ج ۴، قم، اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۴. _____ "جرعه ای از صبحهای حج" قم، اسراء، چاپ نهم، ۱۳۸۶.
۱۵. _____ "تفسیر تسنیم" ج ۹، قم، اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.
۱۶. _____ "تفسیر تسنیم" ج ۲، قم، اسراء، چاپ یازدهم، ۱۳۹۱.
۱۷. _____ "تفسیر تسنیم" ج ۱۱، قم، اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۹۱.
۱۸. _____ "حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه" قم، اسراء، چاپ دهم، ۱۳۸۷.
۱۹. _____ "حکمت عبادات" قم، اسراء، چاپ بیستم، ۱۳۹۱.
۲۰. _____ "مهر استاد" قم، اسراء، چاپ ششم، ۱۳۹۱.
۲۱. _____ "تفسیر تسنیم" ج ۸، قم، اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
۲۲. دهخدا، علی اکبر "لغت نامه" ج ۱۵، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، چاپ دوم، ۱۳۴۳.
۲۳. مجلسی، محمدباقر "بحار الانوار" ج ۱، بیروت، موسسه الوفا، چاپ اول، ۱۰۳۷.
۲۴. _____ "بحار الانوار" ج ۷۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۲۵. محدث، سیدجلال الدین، تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد "شرح غرر الحکم" ج ۱، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۴.